



علیرضا غریب‌دوست

● کشورمان امروز در وضعیت بسیار خاصی قرار دارد که شاید به جرئت بتوان گفت نظیر آن را در چهار دهه گذشته تجربه نکرده است. باوجود فشارهای اقتصادی که بر دوش مردم سنگینی می‌کند و باوجود ناکامی‌های دولت دوازدهم در تحقق اهداف وعده داده‌شده، موضوع انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در پیش‌رو است. صرف‌نظر از اینکه طبقه نخبگان جامعه چه رویکردی نسبت به موضوع انتخابات دارند، به نظر نمی‌رسد عامه مردم چندان تمایلی به مشارکت در این امر خطیر و عاری از تنش در مسیر تعیین سرنوشت خویش داشته باشند. اما یک نکته حقوقی را از نظر نگارنده می‌توان درباره «اعتبار رای ملت» ذکر کرد. در ساختار انتخابی جمهوری اسلامی، دورکن «پارلمان» و «دستگاه اجرائی» یا رای مستقیم مردم تعیین می‌شود. ساختار دولت به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع امور اجرائی کشور با سازوکار مجلس کنترل و تعدیل می‌شود. به دیگر سخن، دستگاه ناظر بر حسن اجرای وظایف محوله به رئیس‌جمهور و کابینه، مجلس شورای اسلامی است که حق دارد با طرح سؤال، تحقیق و تفحص، اخطار و در صورت لزوم استیضاح و رای عدم اعتماد، بر عملکرد مسئولان اجرائی کشور نظارت کند. در این امر، وکلای مردم در جایگاه حقوقی «وکیل»، موظف به تعقیب اراده ملت بوده و مجاز نیستند که به‌جای موکلین خود مصلحت‌سنجی کرده و با این بهانه از ایفای وظایف محوله استنکاف کنند؛ خاصه اینکه تشخیص مصلحت کشور نیز با نمایندگان مجلس نیست. مردم به این اعتبار به نمایندگان مجلس رای داده‌اند که مسئولان اجرائی کشور را در صورت لزوم بدون تعارف استیضاح کنند. اینکه گفته شود استیضاح فلان وزیر به دلیل شرایط اضطراری و حساس‌بودن وضعیت کشور به صلاح نیست، امری نادرست و غیرقانونی و خلاف ماهیت وجودی نمایندگان است. این در حالی است که به‌موجب اصل یکصدوسی‌ودوم قانون اساسی، فقط یک وضعیت قانون اساسی، وضعیت وزرا به‌عنوان شرایط اضطراری و حساس شناسایی شده و آن موقعیتی است که رئیس‌جمهور به دلیل فوت، مجبوریت یا استعفا و عزل برکنار شده باشد و به‌جای او معاون اول رئیس‌مهور یا شخص دیگری که در اصل یکصدوسی‌ویکم آمده است، دولت را اداره کند. بنابراین به‌موجب قانون اساسی، وضعیت کنونی کشور به‌گونه‌ای نیست که به بهانه آن از استیضاح وزرا یا حتی رئیس‌جمهور صرف‌نظر شود. جدا از دیدگاه‌های مختلف جریان‌های سیاسی مبنی‌بر مشارکت یا عدم شرکت در انتخابات مجلس در اسفند سال جاری، نگارنده معتقد است وقتی می‌توان مردم را به شرکت در ملت‌پوید و مجاز نیستند که مردم باور کنند و با چشم خود ببینند که رای آنها مؤثر است و امکان استرداد رای اعتماد خود به منتخبان را دارند؛ چه منتخب مردم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی باشند و چه رئیس‌جمهور. اعتبار رای ملت به امکان استرداد آن است، اگر مردم نتوانند کسی را که انتخاب می‌کنند برگزدار کنند، آیا تنها بی‌ارزش و صرفاً ادعای جنبه نمایشی بوده و با ماهیت جمهوریت در تعارض خواهد بود.



● ایسنا؛ رئیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه گفت: جریانی در کشور پیدا شده که می‌خواهد به هر شکلی با عوامل نفوذی خود چهره دستگاه قضائی را مشوش و مخدوش کند.

حجت‌الاسلام عبداللهی افروز: نفوذ و نقشه برای تخریب یک نفر و در معرض آسیب قراردادن یک قاضی از نظر اخلاقی و مالی حتماً برای آن فرد نشانه‌گیری نشده، بلکه برای سیستم قضائی به بهانه‌راف کشیدن مسیر مبارزه با فساد طراحی شده است.فرد عادل که می‌خواهد عدالت را اجرا کند، خود اگر از حریم و محور عدالت خارج شود، حتماً قابلیت اجرای عدالت را نخواهد داشت.

شرق: هر بزرگداشت پیش‌زمینه‌ای دارد و روزی خاص و پررنگ در تاریخ یک ملت است. برای شناخت یک ملت باید تاریخ آن را دانست، چراکه این تاریخ شناسنامه و عامل هویت‌بخش به آن ملت و به‌یادسیاری رویدادهای مهم، عامل بقای هویتی این ملت است. بزرگداشت‌ها درواقع زبان میانجی حافظه جمعی یک ملت‌اند و با احساسات و عواطف جامعه سروکار دارند.

۲۱ آذر سالروز تشکیل حکومت فرقه دموکرات آذربایجان، یکی از آن روزهایی است که هم باید از جوانب مختلف بررسی شود و هم باید از این زاویه

درباره آن اندیشید که چه تأثیرات ژرفی بر روحیه و حافظه جمعی ملت ایران بر جای گذاشته است که با یک برداشت ملی برای هدفی خاص به‌سوی آینده حرکت می‌کند. نشست بزرگداشت روز ۲۱ آذرماه با همکاری انجمن فرهنگی افراز و انجمن علمی تاریخ دانشگاه تهران در تالار کمال دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد که عطاءالله عبّدی، عضو هیئت علمی گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، ناصر مهرنگ، پژوهشگر حوزه قفقاز و احسان هوشمند، پژوهشگر حوزه اقوام در آن به سخنرانی پرداختند.

هویت ملی به بحث صنفی و گروهی تقلیل داده شده است

عطاءالله عبّدی در این مراسم گفت: «تاریخ و حوادث تاریخی را جغرافیا تعیین نمی‌کند و این موضوع خود را در حوادث دهه ۲۰ هم نشان می‌دهد، اما چون حضار از ماجرای ۲۱ آذر اطلاع دارند، به وضع امروز می‌پردازم. برای این منظور چهار منطقه از ایران را در شرایط امروز بررسی می‌کنیم.

با لحاظ این واقعیت که در ایران کنونی نیروهای قوم‌گرا به‌شدت فعال هستند، نمی‌توان آن را در یک نظریه کامل و به‌صورت همگون بررسی کرد. هر منطقه تفاوت‌های خود را دارد. ویژگی‌های فقر و همسایگان نیز در این موضوع نقش دارند. خطرترین منطقه خوزستان است. فقر و بی‌کاری و احساس درحاشیه‌ماندن عامل این موضوع است. این منطقه اقتصاد کشور را تأمین می‌کند اما مشکلات زیادی در حوزه بی‌کاری و فقر در آنجا وجود دارد و احساس محرومیت در آنجا بسیار جدی است. این موضوع در کنار فعال‌شدن خارجی‌ها خطرتر می‌شود. تضادهای شدید کشور ما با کشورهای عربی باعث دخالت آنان در کشور ما می‌شود. وضعیت اقتصادی ما نیز رو به افول است و در کشور ما هویت ملی به یک بحث صنفی و گروهی تقلیل داده شده و توجهی به آن نمی‌شود. بحث هویت ایرانی مربوط به حکومت خاصی نیست، واقعیتی است که هر حکومتی که کشور را اداره می‌کند، باید به آن توجه کند و ژئوپلیتیک ایران همیشه ثابت است و حکومت‌ها باید به آن وفادار باشند و آن را تقویت کنند. وضع فعلی از نتایج کم‌توجهی به این موضوع است». او افزود: «منطقه بعدی کردستان است. فشارهای مضاعف اقتصادی و محرومیت و احساس مشارکت‌نداشتن در آنجا بالاست. در کردستان یک جنبش قوم‌گرا در جریان بوده است و حمایت خارجی نیز دارد. در حوزه هم‌گرایی ملی با بررسی کتب درسی اقلم کردستان می‌توان جدیت آموزش تاریخ _به‌ویژه تاریخ باستان_ را دید که تاریخ خود را بخشی از تاریخ ایران می‌دانند؛ اما ما چندان روی هم‌گرایی با کردها کار نکرده‌ایم. بهتر است بگویم درحال‌حاضر هویت ملی به‌گونه‌ای تعریف و مشخص نشده است که بتواند میان مردم هم‌گرایی ایجاد کند.منطقه بعدی بلوچستان است. بلوچستان در وضعیت کنونی وضع حادی از بابت قوم‌گرایی ندارد. در آنجا فقر و محرومیت بسیار است اما مشکل قومی نیست و فعالیت و حمایت خارجی هم وجود ندارد؛ البته با ادامه این وضع، بلوچستان زمینه آسیب‌پذیرشدن را دارد. به‌زودی چین یکی از کشورهایی خواهد بود که در آینده در شرق ایران بازیگر شده و از جریان‌های واکرا حمایت خواهد کرد. با توجه به سرمایه‌گذاری چین در گوادر پاکستان و سرمایه‌گذاری هندوستان در چابهار بستر این تنش وجود دارد».

اندوستان در چابهار بستر این تنش وجود قومی در آذربایجان از همه مهم‌تر است. ترکیه یکی از عوامل ترویج پان‌ترکیسم خواهد بود اما در بلندمدت، در مقطع کنونی به نظر می‌ترکیه یک ناآرامی در ایران را حمایت نمی‌کند، چون ترکیه در حالت کلان‌ش با جمهوری اسلامی همراهی دارد. از نظر راهبردی تمایل ندارد جمهوری اسلامی با یک چالش بزرگ روبرو شود. به‌همین‌دلیل در کوتاه‌مدت بحث‌های قومی را خیلی فعال نخواهد کرد. به‌لحاظ چشم‌اندازی در بلندمدت باید توجه داشته باشیم که جمعیت آذربایجان قابل توجه است و همچنین آذربایجان در سده اخیر در تاریخ ایران نیز بسیار تأثیرگذار و از ارکان تحولات تاریخی بوده است. رقابتی ما در اطراف ایران حتماً این تغییر جمعیتی را لحاظ خواهند کرد، تغییری که پتانسیل‌های اقتصادی،

سیاست

بزرگداشت ۲۱ آذر در دانشگاه تهران برگزار شد

فرقه دموکرات آذربایجان؛ خاطره تلخ برای ملت ایران



علمی و اجتماعی بالایی دارد. این تغییر مهم‌ترین تغییری است که دیگران از آن سود خواهند جست. در کنار این بحث ژئوپلیتیکی و همسایگی ایران با ترکیه و باکو، بحث نخبگان قوم‌گرایی است که آزادانه در داخل کشور فعالیت می‌کنند. آنان پشت تریبون‌های رسمی کشور، در صادوسیما و مجلس ما و در نهادهای تصمیم‌گیری ما دارند فعالیت می‌کنند. خیلی آسان می‌آیند ظاهرسازی خاصی انجام می‌دهند، کنشی را که برخی جریان‌ها خوششان بیاید انجام می‌دهند، ولی کارهای خودشان را می‌کنند».

عبّدی گفت: «امروز ما حیرت می‌کنیم از اتفاقات و سخن‌هایی که برخی به نام نماینده مجلس، به‌عنوان شهردار و به‌عنوان کسی که باید ضابط و عامل هویت ملی و امنیت ملی ما باشد، بیان می‌کنند و اینها در واقع تهدیدی علیه امنیت ملی ما هستند، اما هیچ اتفاقی نمی‌افتد. مگر می‌شود در یک کشوری علیه امنیت ملی‌اش صحبت شود، ولی اتفاقی نیفتد. اتاق‌های فکر بسیار قوی پشت جریان‌ات قوم‌گرا هستند. هرکسی که دغدغه ایران را دارد، حتماً باید به موضوع خواب‌های شومی که برای ایران دیده‌اند، توجه کند. بحث‌های قومی در ایران با ژئوپلیتیک گره خورده‌اند و بحث‌های امروز و دیروز نیستند و حتماً باید به این موضوع پرداخت، چراکه در زمان خاصی تأثیرگذار و مشکل‌ساز می‌شوند. در این مسیر باید به هویت ملی و توسعه اقتصاد ایران توجه شود».

اصر برای فراموشی ۲۱ آذر را نمی‌توان درک کرد
سخنران دوم این مراسم ناصر مهرنگ بود که در سخنرانی خود گفت: «مناسبت ۲۱ آذر دشمنان قهاری دارد و همواره سعی در فراموشی این واقعه مهم در تاریخ معاصر ایران شده است. به‌راستی اصراری را که برای فراموشی ۲۱ آذر می‌شود، نمی‌توان درک کرد؛ باین‌حال ۲۱ آذر به اندازه سوم خرداد اهمیت دارد. هر دو این مناسبت‌های افتخارآفرین به ملت بزرگ ایران تعلق دارند. از این‌رو، اگر بگوییم مناسبت ۲۱ آذر در تاریخ معاصر ما اهمیت بی‌جایگزین دارد و ما دمدامد باید از آن یاد کنیم، سخن به گزافه نگفته‌ایم. به‌عنوان یک آذربایجانی می‌گوییم چگونه می‌توان از ۲۱ آذر یاد کرد، اما از ارتش قهرمان ایران و جانفشانی‌های آدم‌هایی مانند سرهنگ هاشمی، سرهنگ جان‌پولاد، سرهنگ زنگنه و دیگران یاد نکرد؟ چگونه می‌شود از ۲۱ آذر یاد کرد، اما از مردان و زنانی که با خون خود سراسر آذربایجان را رنگین کردند و نگذاشتند دست پلید ابرههر بیگانه بر ایران چیره شود، یاد نکرد؟ چگونه می‌توان از ۲۱ آذر سخن گفت، اما از ذوالفقاری‌ها و عشایر قهرمان شاهسون که نقشی مهم در نجات آذربایجان داشتند، یاد نکرد؟ چگونه می‌توان از ۲۱ آذر سخن گفت، اما از بسیاری از گمنامان و نام‌آوران تاریخ‌ساز که از جان خود مایه گذاشتند و آذربایجان را به دامن مام میهن برگرداندند، یاد نکرد؟ اکنون چرا از آنها یاد نمی‌شود؟ روانشان شاد باد». او ادامه داد: «در اینجا باید از میهن‌پرستانی مانند حسین‌آقاخان وطن‌دوست و هم‌زمان او و همچنین از بزرگمردی مانند امیراصلان‌بیگ عیسی‌لو به نام و ویژه یاد شود. امیراصلان‌بیگ عیسی‌لو زمانی نه‌فقط بزرگ طایفه عیسی‌لو، بلکه بزرگ و کدخدای همه ایلات شاهسون در مناطق مشکین، مغان و حتی اردبیل بود. دموکرات‌ها پیشنهادهای وسوسه‌انگیز زیادی به او دادند، اما می‌گفت من به کشورم خیانت نمی‌کنم. دموکرات‌ها او را بازداشت کرده و به باکو برده و شکنجه‌اش کردند. در آنجا میرجعفر باقروف به او وعده حکومت بر آذربایجان را داد، اما باز او نپذیرفت. دموکرات‌ها وقتی به نتیجه نرسیدند، امیراصلان‌بیگ را با تئیی رنجور و آسیب‌دیده در برف رها کردند، اما او به دست دلیرمردان شاهسون نجات پیدا کرد و به جنگ پارتیزانی علیه دموکرات‌ها پرداخت و با شکر کردن ایشان، تا آمدن ارتش ایران نظم را در مناطق اردبیل، مغان و مشکین‌شهر برقرار کرد».

این پژوهشگر ادامه داد: «نکته مهم اینجاست که ما در قبال وقایع تاریخی مهم خود، دچار نوعی فراموشی خودخواسته شده‌ایم. چرا این گسل تاریخی اتفاق افتاده است و ما دچار عدم انتقال فرهنگی شده‌ایم؟

نه خبری از شیخوخت است نه معرفی فهرست

باز هم جامعه روحانیت جا ماند

اتلاف نداشتیم.

با این همه جامعه روحانیت مبارز خیلی علاقه داشت که دوباره به محور اتلاف و وحدت در اصولگرایی بدل شود، درست مانند عصر طلایی دهه‌های ۶۰ و ۷۰؛ اما به نظر می‌رسد که حتی این اتفاق هم برای این نهاد نیفتاده است و حالا کشاکش میان دو جریان قالیباف و پایداری بر سر گرفتن سهم بیشتر از فهرست آتی است، حسن بیادی، فعال سیاسی اصولگرا، گفته بود هر گروهی از اصولگرایان که تمایلی برای ورود جامعه روحانیت مبارز به مباحث انتخاباتی ندارد، مسئول و مقصر اصلی انتشاق و در پی آن نداشتن احتمالی اصولگرایان در انتخابات آینده معرفی خواهد شد.بیادی، دبیر کل جمعیت آبادگران جوان ایران اسلامی، با بیان اینکه جریان‌هایی به عمد به‌دنیال به‌حاشیه‌کشیده‌شدن جامعه روحانیت مبارز هستند گفته بود که باید گفت اگر اصولگرایی که در حال تدارک فعالیت‌های انتخاباتی اصولگرایان هستند، به اعضای جامعه روحانیت مبارز بی‌توجهی کنند و آنها را از مناسبات انتخاباتی حذف کنند، شک نکنید اصولگرایان با چند فهرست مختلف وارد فضای انتخاباتی خواهند شد که شکستشان در چنین حالتی قطعی است. اتفاقی که به نظر می‌رسد در حال رخ‌دادن است و برخی اخبار حاکی

چرا تجربه مهم ما در مثلاً رخداد ۲۱ آذر، از نسل‌های پیشین ما به نسل‌های پسین منتقل نمی‌شود؟ دشمنانی که در واقع دشمنان تاریخی ما هستند، هیچ تمایلی برای مطرح‌شدن یاد و خاطره مناسبت‌های ملی‌ای از این دست ندارند. از این‌رو، در آذربایجان ما امروزه وقتی از ۲۱ آذر سخن می‌گوییم، دوباره این پرسش مطرح می‌شود که سرانجام این کار به کجا خواهد رسید؟».

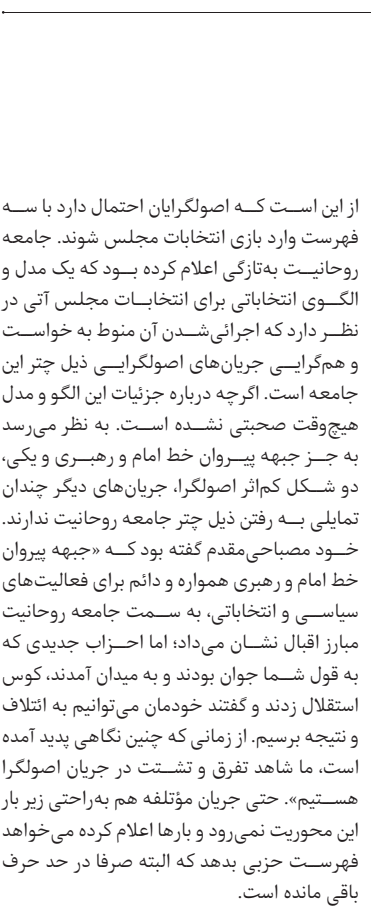
مسئله قومی در ایران اصالت تاریخی ندارد

احسان هوشمند نیز در این مراسم گفت: «متأسفانه در دهه‌های اخیر روز ۲۱ آذر به فراموشی سپرده شده است؛ حال آنکه در این روز به همت ارتش ایران و مردان و زنان آذربایجانی، ملت ایران جلوی تجزیه بخش دیگری از کشور -پس از جنگ‌های ایران و روس- را گرفت. در ایران امروز، جریان قوم‌گرایی حاصل گرهِدن سرنوشت ایران به جهان‌وطنی ایدئولوژیک و بی‌وطنی لیبرالی است که هرکدام به نوبه خود به هویت ایرانی ضربه زده و بر طبل قوم‌گرایی و تجزیه‌طلبی کوبیده‌اند. بقایای مارکسیست فرقه‌گرا امروز با بیانی لیبرالی از حقوق اقوام دم می‌زنند!». او افزود: «اما می‌توان به اینکه چرا این‌گونه مسائل قومی در ایران در حال تشدیدشدن است، از چند منظر پرداخت. بحثی کلایه دارند که چرا نگران حواشی تراکتورسازی هستید؟ این شعارها باعث هیجان هواداران فوتبال می‌شود! این نکته لیبرالی که عموماً در قیاس با کشورهای اروپایی انجام می‌شود، برای ایران مخرب است. مورد دیگر، جُخ‌فهمی‌های حاصل از نبود نگاه تاریخی است؛ چنان که برخی با کمترین دانشی از تاریخ ایران و مطالعات قومی، درباره مسائل قومی با اظهار نظر می‌کنند که نمونه‌های آن را در آذربایجان، کردستان و خوزستان می‌بینیم؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگری مدعی بود پیشه‌وری در سال ۱۹۱۹ فرقه آذربایجان را تشکیل داد!». این پژوهشگر ادامه داد: «اما موضوع دوم کردستان است. هنگام حمله آمریکا به عراق، بسیاری از کردهای عراق به ترکیه پناهنده شدند. دولت ترکیه برای حل مشکل پناهندگان پیشنهاد تشکیل یک منطقه امن در شمال عراق را می‌دهد و این چنین دولت اقلیم کردستان عراق تشکیل شد و گروه «پ‌ک‌ک» در عراق قدرت گرفت و درگیری‌ها در مرز عراق و ترکیه بروز کرد. مورد بعدی، بهار عربی است که بحران سوریه را پدید آورد و ترکیه درصدد سواستفاده از این موضوع برآمد، اما نه‌تنها دولت سوریه ساقط نشد بلکه در مرز ترکیه، یک کانتون کردی وابسته به «پ‌ک‌ک» شکل گرفت».

او گفت: با بروز این دو مسئله و خطای محاسباتی، ترک‌ها نگران مرز ایران شدند. آنان به این نتیجه رسیدند که اگر اتفاقی در ایران بیفتد، پ‌ک‌ک در مناطق کردنشین ایران هم قدرت خواهند گرفت. بنابراین دولت ترکیه به حزب دموکرات کردستان ایران نزدیک شد و افزون بر این، به حمایت از پان‌ترک‌ها ادامه داد.مسئله قومی در ایران، تاریخی و ریشه‌ای نیست و اصالت تاریخی ندارد. تا ۱۳۲۰ کمتر ایرانی‌ای را می‌شناسیم که با صفت قومی ثبت شده باشد؛ عموماً با نام شهری یا روستایی یا قبیله‌ای بوده است. هویت نخبگان بر اساس شهر ایشان معرفی می‌شد مانند فردوسی طوسی، عطار نیشابوری، قائم‌مقام فرهانی، یارمحمدخان کرمانشاهی، قطران تبریزی و ….. اما چه می‌شود که هویت دیگری جانشین هویت شهری می‌شود؟ چه تحولی باعث این موضوع شده است؟».

هوشمند افزود: «نقش اول را باید در تحولات بیرونی جست؛ یعنی ناپودی عثمانی و شکل‌گیری کشورهای تازه بر ویرانه‌های عثمانی و شکل‌گیری گفتمان پان‌ترکی در قلمرو روسیه میان تاتارهای کریمه. در کشورمان از مردم سرزمین قفقاز با عنوان مسلمانان قفقاز، ارمنیان و گرگی‌ها یاد می‌شد، اما بریتانیا برای ایجاد اخلاخ در کار روسیه تزاری، ایدئولوژی پان‌ترکیسم را در قفقاز ترویج می‌کند. فروپاشی عثمانی باعث می‌شود پان‌ترکیسم و هم پان‌کریسم به خاک ایران چشم بدوزند. در این بین، نخستین‌بار مارکسیست‌های ایران مسئله قومی را در ایران پدید آوردند که اصطلاحاً از آن با عنوان «خلق خلق‌های ایران» یاد می‌کنم. برای نخستین‌بار در دنگره دوم حزب کمونیست در باکو، سخن از خلق‌ها و ملیت‌های ایران شد. اشغال ایران در جنگ دوم جهانی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه شوروی در ایران، دوباره عبارت خلق‌های ایران را سر زبان‌ها انداخت.

شکل‌گیری فرقه دموکرات آذربایجان و جمهوری مهاباد فصل جدیدی از قوم‌گرایی در ایران تحت حمایت شوروی بود که در ۲۱ آذر به تاریخ سپرده شد، اما باید هوشیار باشیم که تحولات جدید نشان می‌دهد دوباره فضل سوم قوم‌گرایی در راه است، این بار سوای تجزیه‌طلبی، به نفرت‌پراکنی قومی مواجه هستیم که در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است».



ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

منافع ملی بنیاد قانون اساسی

کوروش الماسی

● کمتر کشوری در جهان منابع خدادادی، موقعیت ژئوپلیتیک عالی، شهروندان میهن‌پرست و باراده، جوانانی با تحصیلات عالی و… مانند ایران دارد؛ بنابراین، موجه و ضروری است تا پرسش شود که چرا شهروندان ایران‌زمین با وجود تمام مؤلفه‌های لازم و ضروری، این اندازه دچار انواع دغدغه‌ها هستند؟ چرا با اینکه دلسوزان بسیاری در عرصه‌های گوناگون، از جمله مدیریت کلان سیاسی، تلاش می‌کنند تا زیستی آرام و امن برای شهروندان فراهم کنند، آن‌گونه که باید دستوراد مطلوبی حاصل نمی‌شود؟ در این موجز تلاش می‌شود تا به‌شکل بسیار کلی و مختصر به رابطه علت و معلولی منافع ملی و قانون اساسی اشاره شود.

منافع چیست؟

به بیان بسیار کلی منشأ مفهوم منفعت (منافع)، نیاز است. می‌توان نیازهای انسانی را به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- نیازهای فیزیکی؛ غذا، لباس، خواب، مسکن، امنیت و…
- ۲- نیازهای روان‌شناختی؛ احساس تعلق، شادی، مفیدبودن، درک امور، احترام، آسیب‌گریزی و…
- ۳- نیازهای اجتماعی؛ همکاری، هم‌زیستی، زیست‌منظم، قانون‌مداری، اعتماد، امنیت، عدالت، اخلاق و ….

نیازهای فیزیکی و بخشی از نیازهای روان‌شناختی را می‌توان نیازهای ثابت و نیازهای اجتماعی و بخشی از نیازهای روان‌شناختی را می‌توان نیازهای متغیر تلقی کرد. ثابت به این معنی که این نیازها ارتباطی با زمان، مکان و شرایط محیطی و اجتماعی ندارند، با زمان، مکان و شرایط محیطی و اجتماعی ندارند، متغیر به این معنی که این نیازها به‌برایند مستقیم زمان، مکان و شرایط محیطی و اجتماعی هستند. بنا بر تعریف بسیار ساده فوق، منافع ملی معطوف به نیازهای گوناگون تعدادی انسان (شهروندان) است که در یک منطقه جغرافیایی با مرزهای تعیین‌شده زیست می‌کنند. از آنجا که هیچ فرد انسانی و زمینی فقط به اتکای امکانات و توانایی خود نمی‌تواند نیازهای حیاتی خود را تأمین کند، بنابراین به‌ناچار باید با دیگر افراد همکاری و هم‌اندیشی کند. هم‌اندیشی و همکاری میان افسراد یک جامعه منجر به ظهور نظمی میان آنها برای مدیریت رفتار، راهکارها و راهبردهایی برای تأمین نیازهای ضروری برای ادامه بقا می‌شود. محتوا، ساختار یا معنی زندگی انسان، تلاش برای تحقق این‌نیازهای ضروری است.نظم اجتماعی که برابند درک ضرورت همکاری و هم‌اندیشی به‌منظور تحقق نیازهای گوناگون انسانی است، بنیاد انواع نهادهای اجتماعی است که در ساختار حاکمیت یکپارچه نمود می‌یابد؛ بنابراین حاکمیت در هر شکلی فقط یک کاربرد و معنی دارد. معنی تبلور و نمود اراده، خواست، نیاز، تمایلات و… یکایک شهروندان تحت حمایت حکومت است. بنابر تعریف مختصر فوق، منافع ملی بنیاد کارآمدی، مشروعیت، پایداری و اقتدار هر حکومتی است. هیچ نهاد اجتماعی، شهروند یا صاحب‌منصبی نمی‌تواند اندیشه، هدف یا عملکردی مغایر منافع ملی داشته باشد.

قانون اساسی چیست؟

در دوره‌های گوناگون تاریخی انواع حکومت‌ها (فرد، سلطان یا شاه- حکومت گروهی، طبقاتی- جمهوری، حکومت الهی- حکومت دموکراسی) مدیریت کلان سیاسی جوامع گوناگون را بر عهده داشته‌اند. روش‌های گوناگون حکمرانی به‌منظور تحقق اهداف گوناگون انسانی و اجتماعی متناسب با شرایط زمان و مکان تدوین و اجرا می‌شوند. از آنجاکه جوامع انسانی تابع نوعی یوبایی فرزندی و فرا اجتماعی هستند، اهداف اجتماعی و انسانی پیوسته دستخوش تحولات، تغییر و تکامل بوده‌اند. بنابراین، امری اجتناب‌ناپذیر است که ساختار و روش‌های حاکمیت یا مدیریت کلان سیاسی باید متناسب و همراه با تحولات اجتماعی و انسانی متحول و کاربردی شود. قانون اساسی (قوانین اجتماعی) به‌منابه نقشه راه تحقق منافع ملی (اهداف جمعی) نمود یک نوع یا روش خاص مدیریت کلان سیاسی (حکمرانی) در جهان معاصر است. قانون اساسی محصول یا برابند یک نوع نگاه و درک خاص به انسان، جامعه و جهان مادی است.تشخیص و درکی که پدیده قانون اساسی معاصر به عنوان نقشه راه مدیریت کلان جوامع، بر آن استوار است؛ به عبارتی، قانون اساسی محصول خرد جمعی به‌منظور تحقق انواع نیازهای اجتماعی و انسانی شهروندان است. بنابراین، بی‌شک آینده تحولات کشور منوط به «نگاه فراجنبی و کاربردی» و وطن‌دوستانه به قانون اساسی است.هر صاحب‌منصب یا سیاست‌ورزی که صادقانه دلسوز نظام و کشور است باید درک کند و بپذیرد که مدیریت کلان سیاسی کارآمد در جهان معاصر برخلاف قرون پیشین، مبتنی‌بر مشارکت شهروندان (از طریق نمایندگان) در اداره کشور است. حاکمیت قانون به این معنی است که قوانین انعکاس‌دهنده اراده، نیازها، خواسته‌ها و تمایلات و… شهروندان است.اگر تبیینی بسیار کلی و مختصر مبنی بر اینکه، قانون اساسی نقشه راه تحقق منافع ملی است پذیرفته شود، آنگاه می‌توان پرسید که آیا شرایط زیست شهروندان مؤید کاربردی‌بودن نقشه راه مدیریت کلان سیاسی به‌منظور تهیه و تأمین انواع نیازهای اجتماعی، انسانی و مادی (منافع ملی) شهروندان است؟ بنا بر شواهد عینی، برپیراه نیست اگر گفته شود قانون اساسی به عنوان نقشه راه مدیریت کلان سیاسی به‌منظور تحقق منافع ملی، به‌طورجدی نیاز به کاربردی و به‌روزرسان‌شدن دارد.